



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Volume 4, Issue 2, 2024

Criminal Liability of Legal Entities with an Emphasis on Commercial Companies

Narjes Ghaderi¹, Mehdi Fallah Kharyeki*², Javad Niknejad³

1. PhD Student in Private Law, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Private Law, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Private Law, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 25-38

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-5841-712X

TELL: +981143217000

Email: mehdifallah@gmail.com

Article history:

Received: 14 Feb 2024

Revised: 18 Apr 2024

Accepted: 24 May 2024

Published online: 21 Jun 2024

Keywords:

Criminal Liability, Legal Entities, Legal Entity Representative, Liquidation, Confiscation of Property.

ABSTRACT

The criminal responsibility of legal entities, especially commercial companies, is one of the important issues that is the subject of discussion and considering the important role of these companies, its explanation and analysis is of great importance. The purpose of this article is to examine the approach of Iranian criminal law towards the criminal responsibility of legal entities (business companies). This article is theoretical and has investigated the mentioned subject by using analytical descriptive method. The findings indicate that the criminal responsibility of legal entities in Iran was explicitly defined for the first time in Article 19 of the Computer Crimes Law approved in 2008 and specifically for some of the crimes stipulated in that law and then generally in the Islamic Penal Code approved in 2012 without it was predicted to be limited to certain crimes. The Islamic Penal Code approved in 1392, in Article 20, 142, 143 and other articles, has determined punishments for legal entities, which include liquidation of the legal entity, confiscation of property and other cases. Based on Article 143 of the Islamic Penal Code, criminal responsibility is based on the responsibility of a natural person, and a legal person is criminally responsible if the legal representative of a legal person commits a crime in the name or in line with its interests.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Ghaderi, N; Fallah Kharyeki, M & Niknejad, J (2024). "Criminal Liability of Legal Entities with an Emphasis on Commercial Companies". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(2): 25-38.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی با تأکید بر شرکت‌های تجاری

نرجس قادری^۱، مهدی فلاح خاریکی*^۲، جواد نیک نژاد^۳

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق خصوصی، واحد آیت‌الله املی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد آیت‌الله املی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به‌ویژه شرکت‌های تجاری از موضوعات مهمی است که محل بحث و نظر است و باتوجه به نقش مهم این شرکت‌ها تبیین و تحلیل آن از اهمیت بالایی برخوردار است. هدف مقاله حاضر بررسی رویکرد حقوق کیفری ایران نسبت به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی (شرکت‌های تجاری) است. این مقاله نظری بوده و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران صریحاً برای اولین بار در ماده ۱۹ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ و به‌صورت خاص برای برخی از جرایم مقرر در آن قانون و سپس به‌صورت عام در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بدون این که محدود به جرایم خاصی شود، پیش‌بینی گردید. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۰، ۱۴۲، ۱۴۳ و مواد دیگر برای اشخاص حقوقی مجازات‌هایی تعیین کرده است که ازجمله این مجازات‌ها انحلال شخص حقوقی مصادره اموال و موارد دیگر است. بر پایه ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی نیازمند پیش‌بینی شرایط مسئولیت و نیز تعیین کیفرهای متناسب با ماهیت شخص حقوقی است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۵-۳۸

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۷۱۲۸-۵۸۴۱-۰۰۲-۰۰۰-۰۰۰

تلفن: +۹۸۱۱۴۳۲۱۷۰۰۰

ایمیل: mehdifallah@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

مسئولیت کیفری، اشخاص حقوقی، نماینده شخص حقوقی، انحلال، مصادره اموال.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

اشخاص حقوقی به‌عنوان نمادهای از جوامع امروزی، بسیاری از منابع و امکاناتی که برای جوامع ایجاد خطر می‌کند را در اختیار دارند و از این حیث می‌توانند صدمات گسترده‌ای به جوامع وارد کنند. مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی به‌لحاظ نقش عمده‌ای که امروزه شخصیت‌های حقوقی در قلمرو فعالیت‌های مختلف، اقتصادی تجاری بازرگانی و تولیدی و صنعتی دارند موضوعی محلی و مربوط به یک جامعه معین نیست. امروزه در همه کشورها این مسأله به‌صورت جدی مطرح است، زیرا مؤسسات تولیدی بعضاً در حریم شهرها به‌نحوی موجب آلودگی محیط زیست می‌شوند یا بر اثر عدم رعایت مقررات یا نقض اصول ایمنی کار در کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی - صنعتی و ساختمانی و ... جان هزاران کارگر را در معرض تهدید قرار می‌دهند و نیز شرکت‌های بازرگانی در عرصه اقتصادی و در انجام مبادلات اقتصادی، با سوءاستفاده از موقعیت شخص حقوقی به‌طریق گوناگون از طریق کلاهبرداری خیانت در امانت و ورشکستگی به تقلب و تقصیر نقض مقررات مالیاتی پولشویی و مقررات رقابتی اموال و وجوه مردم را به تاراج برده یا منافع طلبکاران و سهامداران را در معرض تضییع قرار دهند و یا در کسب درآمدهای عمومی و مالیاتی دولت و رقابت سالم خلل ایجاد می‌نمایند. اشخاص حقوقی به‌عنوان بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین نهادهای تجارت مدرن از پیچیدگی‌های ساختاری خاصی برخوردار هستند. بررسی جوانب و قواعد حاکم بر آن‌ها بر اجرای بهتر عدالت به‌عنوان آرمان غایی حقوق کمک شایانی می‌نماید. مجازات شرکت‌های تجاری، از جمله موضوعاتی بوده که از سالیان قبل در حقوق جزا مورد بحث و بررسی قرار گرفته و با گسترش شرکت‌های تجاری این موضوع از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار شده است. از سویی با در نظر گرفتن اصل شخصی‌بودن، مجازات‌ها اعمال مجازات بر مدیران شرکت‌ها مغایر با اصل مزبور بوده و مورد انتقاد نظام‌های حقوقی قرار گرفته و از سویی عدم تعیین کیفر بر شرکت‌های تجاری باعث رشد فزاینده جرایم و مفاسدی شده است که مرتکبان آن تحت نام شرکت پنهان شده و چه‌بسا جرایمی را در سایه شرکت مرتکب شده و معاف از مجازات شده‌اند که

این خود می‌تواند پیامدهای زیان‌بار اقتصادی را برای جوامع در پی داشته باشد. همین امر بررسی مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی را ضروری ساخته است.

درخصوص مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی پژوهش‌های متعددی انجام شده است: سیددرید موسوی مجاب و علی رفیع‌زاده، در مقاله‌ای به بررسی دامنه مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی پرداخته‌اند (موسوی مجاب و رفیع‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۶۹-۱۴۷). محمد مرادی، آزاده صادقی و اسماعیل هادی‌تبار، نیز در مقاله‌ای، مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران و شورای اروپا را به‌صورت تطبیقی بررسی کرده‌اند (مرادی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۷۲-۱۵۵). همچنین محسن شریفی، در مقاله‌ای، مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و آلمان را بررسی کرده است (شریفی، ۱۳۹۸: ۱۸۴-۱۶۳). تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده در این است که در پژوهش حاضر مسؤلیت کیفری شرکت‌های تجاری مورد بررسی قرار می‌گردد. براساس آنچه گفته شد، مقاله حاضر درصدد بررسی این سؤال است که رویکرد حقوق کیفری ایران نسبت به شرکت‌های تجاری چگونه است؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا شرایط تحقق مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی و مجازات شرکت‌های تجاری بررسی شده و در ادامه به نقد مسؤلیت کیفری شرکت‌های تجاری پرداخته شده است.

در نظام حقوقی مانیز باتوجه به تأثیر مخرب تخلفاتی که تحت نام شرکت بر اقتصاد صورت گرفت و عدم امکان اعمال مجازات بر شخص حقوقی النهایه قانون‌گذار ضمن رعایت اصل شخصی‌بودن مجازات‌ها، اعمال مجازات‌هایی بر شرکت‌ها را پذیرفته و درواقع جلوگیری از سوءاستفاده‌های مالی و پیامدهای زیان‌بار اقتصادی، اعمال مجازات بر شخص حقوقی را ایجاب نموده است.

۱- شرایط تحقق مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی

علاوه‌بر شرایط عادی که برای تحقق مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی وجود دارد، قانون‌گذار در ماده ۱۴۳ ق.م.ا شرایط خاصی را برای تحقق مسؤلیت کیفری و نحوه قابلیت

انتساب جرم به شخص حقوقی مقرر داشته است. در ادامه به بررسی این شرایط پرداخته می‌شود.

۱-۱- وجود شرکت بازرگانی بر خوردار از شخصیت

ناگفته پیداست که مهم‌ترین معیار برای انتساب مسئولیت کیفری وجود شخص حقوقی است که موجودیت قانونی یافته باشد؛ با این وجود زمان زایش شخصیت حقوقی در مورد شرکت‌های تجاری با چالش روبه‌رو است؛ برخی از حقوق‌دانان صرف تشکیل شرکت را برای ایجاد شخصیت حقوقی جدید کافی می‌دانند، اما عده‌ای دیگر علاوه بر ایجاد ثبت شرکت در اداره کل ثبت شرکت‌ها را شرط تحقق شخصیت حقوقی می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۱۰۰). با این حال باید گفت بسیاری از حقوق‌دانان نوین در حوزه حقوق شرکت‌ها معتقدند شرکت از زمان ثبت در مرجع ثبت شرکت‌ها واحد شخصیت حقوقی می‌شود؛ یکی از حقوق‌دانان در استدلالی در مورد رد شخصیت حقوقی شرکت سهامی پیش از ثبت بیان می‌دارد: «اگر قائل به تحقق شخصیت حقوقی شرکت تجاری قبل از ثبت آن باشیم، دیگر با هیچ توجیهی نباید مسئولیت ناشی از معاملات و تعهدات شرکت ثبت‌نشده را متوجه مؤسسين و یا هریک از دیگر ارکان شرکت و از جمله مدیران بدانیم (ماده ۲۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷)، زیرا که ابتدایی‌ترین اثر پذیرش مفهوم شخصیت حقوقی، استقلال تعهدات آن از تعهدات شرکا (مؤسسين) است» (پاسبان، ۱۳۹۲: ۲۹).

۱-۲- قابل انتساب بودن جرم به نماینده قانونی

«صرف وجود متن قانونی نمی‌تواند موجب تعقیب اشخاص باشد، اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی، مجرم باید عملی مادی انجام دهد و یا به ترک فعل مبادرت ورزد تا مستوجب مجازات شود و بین فعل و نتیجه مجرمانه باید رابطه علت و معلولی وجود داشته باشد، یعنی عمل یا ترک عمل انجام‌شده مستقیم یا غیرمستقیم منجر به وقوع جرم گردد. علاوه بر انجام عمل مادی باید قصد مجرمانه به ارتکاب بزه داشته باشد یا خطایی از او برای تحقق جرم سر بزند، به عبارتی دیگر در تحقق مسئولیت کیفری باید اثر اسناد مادی که انتساب بعد مادی جرم به فاعل معین یا همانا رابطه سببیت میان فاعل و جرم است و اثر اسناد معنوی که انتساب جرم اراده

آزاده و آگاه می‌باشد، وجود داشته باشد. اسناد مادی یا رابطه سببیت امری موضوعی است و ارتباطی با وضعیت روانی فاعل جرم ندارد، یعنی صرف نظر از تعلق اراده فاعل به نتیجه مجرمانه، مهم آن است که نتیجه مجرمانه محصول فعل مجرمانه او باشد، اما اسناد مادی فی‌نفسه موجد مسئولیت کیفری نیست، مگر این‌که رفتار مجرمانه از فاعلی مقصر و قابل سرزنش واجد علم و اراده ناشی شده باشد و در این صورت است که مرتکب قابلیت تحمل تبعات کیفری رفتار مجرمانه را پیدا می‌کند» (میرسعیدی، ۱۳۹۰: ۸۳-۸۲) و از آنجایی که قانون‌گذار شخص حقوقی را در صورتی دارای مسئولیت کیفری می‌داند که جرم اتکایی از سوی نماینده قانونی ارتکاب یابد، پس شرط قابلیت انتساب جرم به نماینده قانونی جمع عنصر مادی و معنوی جرم به شرح فوق شرط لازم برای تحقق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی است و تا زمانی که آن فعل یا ترک فعل مجرمانه قابل انتساب به نماینده قانونی نباشد شخص حقوقی مسئولیت کیفری نخواهد داشت.

۱-۳- ارتکاب جرم توسط نماینده قانونی شخص حقوقی

اولین شرطی که قانون‌گذار در ماده ۱۴۳ ق.م.ا برای بارنمودن مسئولیت کیفری بر اشخاص حقوقی مقرر داشته است، این است که جرمی از سوی نماینده قانونی شخص حقوقی ارتکاب یافته باشد، چه با نظارت شخص حقوقی و چه بدون نظارت آن. بنابراین چنانچه دیگر کارکنان و کارگران شخص حقوقی در هر سطحی بزه‌ی به نام یا در راستای منفعت شخص حقوقی مرتکب گردند و بتوانند این امر را نیز ثابت کنند، مسئولیت متوجه شخص حقوقی نخواهد بود و فقط شخص حقیقی باید پاسخگو باشد. حال چنانچه نماینده‌ای فاقد سمت قانونی است، به نام یا در جهت مصالح شخص حقوقی جرم انجام دهد، آیا شخص حقوقی مسئولیت خواهد داشت یا خیر؟ پاسخ قانون مجازات اسلامی به این سؤال منفی است، زیرا به صراحت بیان نموده است که ارتکاب جرم باید توسط نماینده قانونی صورت گرفته باشد تا شخص حقوقی دارای مسئولیت گردد، اما دیوان عالی کشور فرانسه در دادنامه مورخ دسامبر ۲۰۰۳ در این باره چنین مقرر نموده است: «فردی که بدون داشتن سمت قانونی شرکتی را اداره

علیت را بین رفتار شخص حقوقی و پیامد آن جستجو کند، چون فرضاً در جرمی چون قتل که غالباً جرمی نتیجه‌محور است، اثبات ملازمه عرفی میان فعل یا ترک فعل توأم با تقصیر و نتیجه مجرمانه برای محکومیت شخص حقوقی ضروری است و مقام قضایی مکلف به تحقیق درباره آن می‌باشد.

۱-۵- ارتکاب جرم به نام و یا در راستای منافع شخص حقوقی

برای پاسخ‌دهی کیفری شخص حقوقی بایسته است تا بزه ارتكابی بهره‌ای برای شخص حقوقی دربر داشته باشد، بنابراین مسؤلیت کیفری شخص حقوقی مستقر نمی‌گردد، مگر این‌که ثابت گردد بزه ارتكابی به سود شخص حقوقی بوده است. سود شخص حقوقی نیز تنها به سود مادی انگشت نمی‌نهد و باتوجه به چیستی و هدف‌های شخص حقوقی سود اعتباری مانند شناساندن کالا در میان مردم برای خریداری یا برتری در هم‌آوردی بازرگانی رقابت تجاری نیز می‌تواند گونه‌ای از سودآوری برای شخص حقوقی باشد (عالی‌پور، ۱۳۹۳: ۲۶). نکته مهم آنکه تحقق منافع و فعلیت یافتن آن شرط نیست، بلکه مهم آن است که جرم به انگیزه انتفاع شخص حقوقی انجام شود، بدین ترتیب انگیزه در تحقق مسؤلیت مورد بحث نه به‌عنوان یک عامل بی‌تأثیر، بلکه به‌عنوان یک عنصر سرنوشت‌ساز جلوه می‌نماید (شریفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۹-۱۱۷).

باتوجه به مفاد ماده ۱۴۳ ق.م.ا که مقرر می‌دارد: «نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود... اگر ارتكاب بزه به نام شخص حقوقی صورت گیرد، بدون این‌که به منفعت یا مصلحت آن باشد یا بزه در جهت منفعت شخص حقوقی باشد، بدون آنکه به نام شخص حقوقی صورت گرفته باشد، برای تحقق مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی کافی است.» بنابراین هر دو جنبه ذهنی و عینی موضوع باید بررسی گردد. از جنبه ذهنی اگر با بررسی اوضاع و احوال احراز شود که قصد نماینده قانونی مصلحت شخص حقوقی بوده، برای انتساب بزه کافی است و در فرض دیگر، حتی اگر نماینده مدعی فقدان این قصد شود، اما به قرائن عینی احراز شود ارتكاب بزه در جهت منفعت شخص حقوقی بوده است، باز

می‌کند و در رابطه آن با شرکت دیگری به‌عنوان نماینده اقدام می‌کند، برای شرکت یادشده مسؤلیت ایجاد می‌کند» (روح‌الامینی، ۱۳۸۷: ۱۵۶-۱۲۹). در این رأی حتی از محدودیت مقرر در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی فراتر رفته و در مواردی که شخص حقیقی سمت قانونی ندارد، اما به‌عنوان نماینده شخص حقوقی اقدام می‌کند، اقدام او را موجب مسؤلیت شخص حقوقی دانسته است، درحالی‌که طبق قانون جزایی ایران فردی که به‌عنوان نماینده اقدام می‌کند، باید واجد سمت قانونی باشد.

۱-۴- انتساب جرم به شخص حقوقی به تبع ارتكاب جرم توسط نماینده قانونی آن

مطابق ماده ۱۴۳ قانون مجازات یکی از شرایط مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی ارتكاب جرم توسط نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی است. حال جرم ارتكاب‌یافته باید قابلیت انتساب به شخص حقوقی را داشته باشد، این‌که جرم ارتكابی بر چه مبنایی به شخص حقوقی منتسب می‌شود، به‌نظر می‌رسد در این مقرر ماده (۱۴۳ ق.م.ا) از رهگذر احراز مسؤلیت شخص حقیقی، شخص حقوقی نیز مسؤول خواهد بود، این بدان معناست که شخص حقوقی هنوز از منظر قانون‌گذار کیفری موجودی فرضی است که فی‌نفسه و مستقل از اعضای خود نمی‌تواند مسؤول شناخته شود، اما ممکن است از مفهوم ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی که بیان می‌دارد: «انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن زمانی اعمال می‌شود که برای ارتكاب جرم به‌وجود آمده و یا با انحراف از هدف مشروع نخستین فعالیت خود را منحصرماً در جهت ارتكاب جرم تغییر داده باشد و یا تبصره ماده ۱۴ آن شرط محکومیت شخص حقوقی را احراز رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و نتیجه زیان‌بار آن می‌داند، چنین استنباط نمود که قانون‌گذار از مسؤلیت نیابتی عدول و نوعی مسؤلیت سازمانی را برای شخص حقوقی مد نظر قرار داده است» (شریفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۸-۵۷)، زیرا فرضاً در تبصره ذیل ماده ۱۴ ضابطه منعکس در ماده (۱۴۳ ق.م.ا) انتقال مسؤلیت از فرد به شخص حقوقی درخصوص مسؤلیت شخص حقوقی و محکومیت آن به پرداخت دیه حاکم نیست و قاضی پرونده مکلف است رابطه

می‌شود، این است که به سرعت و آسانی بزهکارانی را که علی‌الاصول جرایم مهمی انجام ندهاند، متنبه می‌کند و در عین حال دولت را از تراکم زندانیان می‌رهاند، البته این مجازات مخالفانی نیز دارد، آن‌ها معتقدند این کیفر ثروتمندان را مغرور و مستمندان را مأیوس می‌کند. برای گروه اول به دلیل وجود امکانات مالی انجام جرم ساده و سزای آن قابل ریشخند است و برای گروه دوم، حتی با انجام بزه کوچکی امکان عدم پرداخت و تبدیل آن به زندان وجود دارد (نوربها، ۱۳۸۵: ۳۰۷).

به نظر می‌رسد که با در نظر گرفتن همین استدلال قانون‌گذار در ماده ۲۱ ق.م. میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی را حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی که در قانون برای ارتکاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می‌شود، مقرر نموده است، لذا مجازات در نظر گرفته شده برای اشخاص حقوقی سنگین‌تر از مجازات اشخاص حقیقی است، چراکه اگر جزای نقدی کمتری در نظر گرفته شود، انجام جرم علی‌الخصوص برای شرکت‌های تجاری که سود کلانی را از ارتکاب جرم به دست می‌آورند، ساده خواهد بود.

۲-۲- مصادره کل اموال

مصادره یا ضبط دارای مجازات عینی است، که به همه یا قسمتی از اموال موجود در زمان ارتکاب جرم تعلق می‌گیرد (شامبیاتی، ۱۳۹۱: ۳۲۹). در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجازات مصادره کل اموال در ماده ۲۰ به عنوان مجازات اصلی برای اشخاص حقوقی پیش‌بینی شده است، اما موارد اعمال آن وفق مقررات ماده ۲۲ قانون مزبور چنین بیان شده است: «... مصادره کل اموال آن زمانی اعمال می‌شود که برای ارتکاب جرم به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین فعالیت خود را منحصراً در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد.» باتوجه به مقرر فوق مجازات مصادره کل اموال مانند مجازات انحلال از موارد اجباری مجازات است، البته باید در نظر داشت که چون مصادره کل اموال در واقع مرگ مدنی اشخاص حقوقی محسوب می‌شود، اصل تناسب جرم با مجازات چنین اقتضا دارد که چنین مجازاتی اولاً متناسب با نوع عمل ارتكابی اعمال گردد؛ ثانیاً باتوجه به این‌که قانون‌گذار موارد اعمال آن را احصا نموده است، دادگاه صرفاً

هم برای تحقق مسؤولیت کیفری کفایت می‌کند، لذا نمی‌توان به این قائل بود که منفعت باید بالقوه یا بالفعل وجود داشته باشد و احراز این امر که بزه ارتكابی از سوی نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منفعت آن بوده یا خیر امری است که باید باتوجه به همه عوامل مؤثر احراز گردد (شمس ناتری و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۵۹-۳۵۸).

اشکالی که بر ماده قانونی مزبور می‌توان گرفت، این است که برای تحمیل مسؤولیت کیفری به شخص حقوقی به جای اجتماع دو شرط به نام و در راستای منافع آن مرتکب جرم شده، تحقق یکی از شروط مزبور را برای این منظور کافی دانسته است، حال آنکه به نظر می‌رسد در راستای تحقق این نوع مسؤولیت اجتماع، هر دو ضابطه مذکور اجتناب‌ناپذیر می‌باشد، کما این‌که قانون‌گذار در مسؤول شناختن شخص حقوقی در قبال جرایم رایانه‌ای ماده ۷۴۷ ق.م. بخش تعزیرات قائل به تجمع هر دو شرط مزبور شده است، هرچند این ماده ناظر به جرایم رایانه‌ای است، اما شرایط مندرج در آن در مقام چگونگی انتساب جرم به اشخاص حقوقی به عنوان یک قاعده است و رایانه‌ای بودن جرم فاقد خصوصیت خاصی است که شرایط مزبور منحصر به آن باشد (شریفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۹-۱۱۷)، لذا به نظر می‌رسد چنانچه یکی از شروط مذکور در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی موجود نباشد، باتوجه به قاعده مقرر در ماده ۷۴۷ این قانون بزه قابلیت انتساب به شخص حقوقی را نخواهد داشت و مسؤولیت کیفری شخص حقوقی منوط به اجتماع دو شرط مندرج در ماده ۱۴۳ ق.م.ا می‌باشد.

۲- مجازات شرکت‌های تجاری

در این قسمت به بررسی مجازات شرکت‌های تجاری پرداخته می‌شود:

۲-۱- جزای نقدی

جریمه یا جزای نقدی عبارت است از الزام محکوم به پرداخت مبلغی وجه نقد به حساب دولت به عنوان مجازات. ماهیت آن با وجهی که محکوم به عنوان ضرر و زیان به زیان دیده از جرم می‌پردازد، متفاوت است. امتیاز این کیفر که از قدیم نیز مورد توجه بوده و در قوانین جزایی ما نیز زیاد از آن استفاده

شخصی بودن مجازات‌ها می‌باشد. بنابراین کلیه انواع دیه اعم از مقدر یا غیرمقدر جنبه جبران خسارت را دارد (مرعشی، ۱۳۷۶: ۹۱).

برخی نیز اعتقاد دارند که دیه ماهیتی دوگانه دارد عبدالقادر عوده در کتاب التشریح الجنایی الاسلامی نظر خود را در مورد دیه چنان بیان می‌دارد: «دیه مقدار معینی از مال است و آن اگرچه نوعی مجازات به حساب می‌آید، (اما) برخلاف جزای نقدی به خزانه دولت داخل نمی‌شود و به مجنی‌علیه تعلق می‌گیرد. به همین جهت دیه به خسارت (مدنی) شباهت بیشتری پیدا می‌کند، لذا بهترین تعریفی که از دیه می‌توان ارائه داد، این است که بگوییم دیه هم جنبه مجازات و هم جنبه خسارت دارد، یعنی از طرفی می‌توان جانی را به مجازات تعزیری محکوم کرد، درحالی‌که اگر مجازات نبود، بدون درخواست مجنی‌علیه نمی‌توانستیم حکم به تعزیر جانی کنیم، اما از طرف دیگر دیه خسارت مدنی است، زیرا مالی است که به‌طور خالص برای مجنی‌علیه در نظر گرفته می‌شود. همچنین بدین جهت اگر مجنی‌علیه از حق خود در دریافت دیه صرف نظر کرد، نمی‌توان جانی را به پرداخت دیه محکوم کرد» (شمس ناتری و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۱).

منظور از خسارت قابل مطالبه در تبصره ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی که علاوه بر دیه قابل مطالبه است، همان ضرر و زیان ناشی از جرم است که وفق مقررات ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می‌توان ضمن طرح شکایت کیفری طی دادخواستی علیه اشخاص حقیقی از دادگاه مطالبه کرد تا قبل از پذیرش مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی وفق مقررات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ چون شکایت کیفری علیه آنان موضوعیت نداشت، مطالبه خسارت صرفاً طی دادخواست حقوقی قابلیت طرح داشت.

پس از پذیرش مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی و تصریح ماده ۱۴ ق.م.ا به قابل مطالبه بودن خسارت از اشخاص حقوقی می‌توان ضمن طرح شکایت کیفری مطالبه دیه طی دادخواستی خسارت و ضرر و زیان ناشی از جرم را از اشخاص حقوقی مطالبه کرد.

در صورت احراز شرایط مقرر فوق و نیز احراز سوءنیت خاص مجازات مصادره کل اموال را اعمال نماید.

لازم به یادآوریست باتوجه به شرحی که گذشت و از مصادره کل اموال به مرگ مدنی شخص حقوقی تعبیر شده است، این نوع مجازات مانند مجازات انحلال علیه اشخاص حقوقی عمومی دولتی (غیردولتی و با همان استدلال بیان شده در بحث) انحلال قابل اعمال نمی‌باشد.

۲-۳- پرداخت خسارت و دیه

ماده ۱۷ و ۴۴۷ قانون مجازات اسلامی دیه را چنین تعریف می‌نماید: «دیه اعم از مقدر و غیرمقدر مال معینی است که در شرع مقدس به سبب ایراد جنایت غیر عمدی بر نفس، عضو یا منفعت یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، به موجب قانون مقرر می‌شود.»

و اما تبصره ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی «درخصوص شرایط مطالبه دیه و خسارت از اشخاص حقوقی چنین بیان می‌دارد، چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارد شده احراز گردد، دیه و خسارت قابل مطالبه خواهد بود...»

در این تبصره نکاتی چند قابل بررسی است: ۱- منظور از خسارت قابل مطالبه چیست؟ ۲- آیا دیه موضوع تبصره ماده ۱۴ ق.م.ا صرفاً درخصوص ارتکاب جرایم غیرعمدی قابل مطالبه است یا شامل جنایات عمدی فرضاً قتل عمد نیز می‌گردد؟ درخصوص ماهیت حقوقی دیه اختلاف نظر وجود دارد. برخی از حقوق دانان با استناد به مواد ۱۴، ۴۶۲ و ۴۶۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ مواد ۳۰۵، ۳۰۵ و ۵۱۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ دیه را مجازات و آن را با جزای نقدی یکسان می‌دانند (شامبیاتی، ۱۳۹۱: ۳۳۰-۳۲۹).

برخی دیگر از حقوق دانان دیه را غیرجزایی می‌دانند، با این استدلال که دیه (غیرمقدر) به معنی غرامت و جبران خسارت است و در بعضی موارد هم مانند مابه‌التفاوت قیمت کالای معیوب و صحیح می‌باشد و دیه‌ای که در جنایات خطا و شبه‌عمد از جانی اخذ می‌شود، نمی‌تواند جنبه کیفری داشته باشد، زیرا در جرم غیرعمدی عاقله مکلف به پرداخت آن می‌باشد. در این صورت ماهیت کیفری دیه برخلاف اصل

است، مگر آنکه در اساسنامه مربوط ترتیبات دیگری مقرر شده باشد.»

«شخصیت حقوقی عمومی غیردولتی نیز مانند شخصیت حقوقی عمومی دولتی قابل انحلال نیست، مگر به موجب قانون، نمونه‌ای از آن انحلال شورای شهر است که در قانون شوراهاى اسلامی کشور موارد انحلال و مرجع تصمیم‌گیری برای انحلال آن پیش‌بینی شده است.» اما مقررات مربوطه به انحلال که به‌عنوان کیفر عمل مجرمانه برای اشخاص حقوقی در نظر گرفته شده است و از نوع مجازات‌های تعزیری درجه ۱ می‌باشد (ماده ۱۹ ق.م.ا) در ماده ۲۰ و ۲۲ ق.م.ا بیان شده است.

ماده ۲۰ ق.م.ا انحلال را به‌عنوان یکی از مجازات‌های قابل اعمال بر اشخاص حقوقی مقرر نموده، اما شرایط و نحوه اعمال آن در ماده ۲۲ قانون مزبور چنین بیان شده است: «انحلال شخص حقوقی زمانی اعمال می‌شود که برای ارتکاب جرم به‌وجودآمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین فعالیت خود را منحصرأ در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد، چون انحلال به حیات شخص حقوقی خاتمه می‌دهد و معادل مجازات اعدام برای اشخاص حقیقی است مواردی که دادگاه می‌تواند این مجازات‌ها را علیه اشخاص حقوقی اعمال کند، در قانون مجازات اسلامی احصاء و اعمال آن‌ها منحصر به همان موارد است.» با توجه به مقرر فوق، چنانچه شخص حقوقی به قصد ارتکاب جرم تأسیس شده باشد و برای مثال موضوع آن‌ها فعالیت‌های مجرمانه مانند قوادی، قاچاق مواد مخدر و ... باشد و یا این‌که پس از انحراف از هدف مشروع اولیه فعالیت خود را منحصرأ به ارتکاب جرم اختصاص داده باشد، یعنی این‌که هدف مشروع خود را تغییر داده و به هدف غیرمشروع روی آورده باشد، در چنین مواردی دادگاه به نظر پس از احراز سوءنیت (خاص) مکلف به اعمال مجازات انحلال می‌باشد.

۲-۶- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به‌طور دائم یا حداکثر برای مدت ۵ سال

این مجازات که مطابق ماده ۱۹ ق.م.ا از مجازات‌های درجه ۵، ۶ می‌باشد، صرفاً برای اشخاص حقوقی در نظر گرفته شده و مطابق مقررات ماده ۲۰ ق.م.ا به‌عنوان مجازات اصلی برای

۲-۴- انتشار حکم محکومیت به‌وسیله رسانه‌ها

یکی از ضمانت اجراهای مقرر در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی که برای اشخاص حقوقی در نظر گرفته شده و مشترک بین اشخاص حقیقی و حقوقی است انتشار حکم محکومیت قطعی به‌وسیله رسانه‌هاست. انتشار حکم محکومیت سابقاً در بند ۵ ماده ۱۲ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹/۰۲/۱۲ پیش‌بینی شده بود. انتشار حکم قطعی محکومیت در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای اشخاص حقیقی در مواد ۱۶، ۲۳ و ۳۶ پیش‌بینی شده است. در این قانون ماده ۱۹ به‌عنوان مجازات‌های تعزیری و ماده ۲۳ به‌عنوان مجازات‌های تکمیلی و ماده ۳۶ از نوع مجازات‌های تکمیلی الزامی می‌باشد، یعنی دادگاه اختیاری در تعیین آن ندارد، بلکه مکلف به تعیین آن است، درحالی‌که مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ اصولاً جنبه اختیاری دارد.

۲-۵- انحلال شخص حقوقی

اشخاص حقوقی به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- اشخاص حقوقی حقوق عمومی؛ ۲- اشخاص حقوقی حقوق خصوصی. اشخاص حقوقی عمومی خود تقسیم می‌شوند به اشخاص حقوقی عمومی دولتی و غیردولتی. همان‌گونه که نحوه ایجاد و تأسیس این اشخاص با هم متفاوت بوده و قواعد حقوقی خاصی دارند، انحلال آن‌ها نیز قواعد حقوقی خاصی می‌طلبد. موارد انحلال شخصیت‌های حقوقی حقوق خصوصی انتفاعی که شامل شرکت‌های تجاری از نوع سهامی عام و خاص با مسئولیت محدود تضامنی مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی، نسبی و تعاونی تولید و مصرف یا توزیع چندمنظوره هستند، وفق مقررات قانون تجارت مشخص شده است: «۱- در صورتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد، مگر این‌که مدت قبل از انقضا تمدید شده باشد؛ ۲- در صورت ورشکستگی شرکت؛ ۳- هر موقع که مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام یا سهم‌الشرکه به هر علتی رأی به انحلال شرکت بدهد؛ ۴- بطلان قرارداد شرکت؛ ۵- وقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است، انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد» و اما «انحلال شرکت‌های دولتی، منحصرأ با اجازه قانون مجاز

عادی شرکت‌های تعاونی به عمل می‌آید، گاه ضرورت ایجاب می‌نماید که سرمایه اولیه شرکت افزایش یابد و این در موردی است که گزارش هیأت مدیره مبنی بر تغییر سرمایه شرکت و افزایش آن بوده و بازرسی یا بازرسان شرکت گزارش مزبور را تأیید نمایند. در این صورت حسب نوع شرکت برعهده مجمع عمومی فوق‌العاده یا عادی است که به هیأت مدیره اجازه دهد که ظرف مدت معینی که از ۵ سال تجاوز ننماید، سرمایه شرکت را تا میزان مبلغی به یکی از طرقی که در قانون تجارت معین گردیده است، افزایش دهند و هیأت مدیره مکلف است در هر نوبت پس از افزایش سرمایه به مدت یک‌ماه ضمن اصلاح، اساسنامه، مقدار سرمایه اضافه‌شده را جهت اطلاع عموم به اداره ثبت شرکت‌ها اعلام نماید.

افزایش سرمایه شرکت از طریق خرید سهام جدید با پذیرهنویسی سهام جدید به‌موجب ورقه تعهد خرید سهام انجام می‌گیرد و افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود از یکی از راه‌های زیر امکان‌پذیر می‌باشد:

- ۱- پرداخت مبلغ اسمی به نقد؛ ۲- تبدیل مطالبات، تبدیل مطالبات نقدی حاصل‌شده اشخاص از شرکت به سهام جدید؛
- ۳- انتقال سود تقسیم‌نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید به سرمایه شرکت؛ ۴- تبدیل اوراق قرضه به سهام.

از آنجایی که وفق مقررات ماده ۵ قانون تجارت در موقع تأسیس سرمایه شرکت‌های سهامی عام از پنج میلیون ریال و در شرکت‌های سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد، در صورتی که سرمایه شرکت بعد از تأسیس به هر علتی از حداقل مذکور در این ماده کمتر شود، باید ظرف یک‌سال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل اقدام به عمل آید یا شرکت به نوع دیگری از انواع شرکت‌های مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یابد، وگرنه هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال آن را از دادگاه صلاحیت‌دار تقاضا نماید، بنابراین چنانچه با اعمال کیفر ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه و یا به همراه کیفر دیگر با توجه به این‌که دادگاه می‌تواند شخص حقوقی را به یک یا دو مورد از مجازات‌های مقرر در ماده ۲۰ ق.م.ا محکوم نماید و براساس نوسانات اقتصادی و بحران

اشخاص حقوقی پیش‌بینی شده است. قانون‌گذار در ماده قانونی مزبور مصادیق فعالیت‌های شغلی یا اجتماعی را بیان نکرده است، اما با وحدت ملاک ماده ۲۶ ق.م.ا که انواع حقوق اجتماعی را بیان می‌کند، هر نوع فعالیت اجتماعی که از انواع حقوق اجتماعی باشد و اشخاص حقوقی بتوانند آن فعالیت را انجام دهند، می‌تواند از مصادیق فعالیت‌های اجتماعی باشد، مانند بند «د» ماده ۲۶ ق.م.ا که عضویت در هیأت مدیره شرکت‌های دولتی، تعاونی، خصوصی و ... یا مؤسسه آموزشی، پژوهشی فرهنگی و علمی است دیگر این‌که قلمرو و دامنه اعمال ممنوعیت از فعالیت شغلی و اجتماعی در قانون مزبور مشخص نشده است، یعنی ممنوعیت فعالیت باید شامل جرمی باشد که به مناسبت آن فعالیت ارتکاب یا در حین اجرای آن، فعالیت مرتکب عمل مجرمانه را محقق ساخته است. به‌نظر رابطه بین فعل مجرمانه ارتکابی و انجام فعالیت‌های حرفه‌ای یا اجتماعی می‌بایست مورد توجه قانون‌گذار قرار می‌گرفت.

نکته دیگری که یادآوری آن لازم است، مدت ممنوعیت از فعالیت شغلی یا اجتماعی است. قانون‌گذار با تعیین مدت ممنوعیت به‌طور دائم یا حداکثر به مدت ۵ سال قصد داشته است که جرایم کم‌اهمیت و با اهمیت بیشتر قائل به تفکیک گردد، زیرا ممنوعیت از فعالیت شغلی و اجتماعی به‌طور دائم برای اشخاص حقوقی که سال‌ها آن فعالیت را انجام می‌داده‌اند، به‌منزله نابودی دائمی آنان است، پس مجازات قابل اعمال باید متناسب با جرم ارتکابی باشد، یعنی جرم ارتکابی به اندازه‌ای مهم باشد که شخص حقوقی شایسته مجازات ممنوعیت از فعالیت شغلی و اجتماعی به‌طور دائم باشد، زیرا در بسیاری از موارد امکان برقراری شغل جدید عملاً غیرممکن می‌گردد. به‌نظر می‌رسد بهتر است که ممنوعیت دائم در مورد جرایمی که امنیت اجتماعی را بیشتر به مخاطره می‌اندازد، اعمال گردد.

۲-۷- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به‌طور دائم یا حداکثر به مدت ۵ سال
معمولاً دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به‌موجب تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت‌های سهامی و مجمع عمومی

حقوقی است، چه اگر هریک از اعضای آن جرمی را که در راستای انجام وظیفه، هرچند خودسرانه و بدون مجوز مرتکب شود، شخص حقوقی را مسؤول می‌سازد.

این نظریه قبلاً به شکل امروزی گسترده نبود و صرفاً در مقام توجیه جرایم با مسؤولیت مطلق که نیازی به وجود عنصر روانی ندارند، آن هم جرایم بر پایه ترک، فعل برآمده بود، زیرا در آن زمان اعتقاد بر این بود که شخص حقوقی نه قوه عاقله‌ای دارد که اندیشه کند و نه اعضا و جوارحی دارد تا کنشگری کند، اما به تدریج و با تزايد تعداد اشخاص حقوقی و تأثیر محسوس آنان در ابعاد مختلف صنعتی سیاسی و اجتماعی، تفکیک بین فعل و ترک فعل از بین رفت تا به طور منطقی مسؤولیت کیفری آنان وسعت یابد.

۳-۲- فاصله بین مجازات‌های حداقل و حداکثر

مجازات‌ها از نقطه نظرهای مختلف قابل طبقه‌بندی می‌باشد. از نقطه نظر غایت و هدف، از نقطه نظر میزان، از نقطه نظر وخامت، از نقطه نظر روابطی که بین انواع مختلف وجود دارد و همچنین از نقطه نظر طبیعت حقی که با اجرای مجازات لطمه می‌بیند (بهری، ۱۳۹۴: ۲۸۳). با ملاحظه مجازات‌ها و جرایم اشخاص حقوقی به این نکته اساسی پی می‌بریم که چنین دسته‌بندی در قانون مجازات اسلامی فعلی رعایت نشده است. شتاب‌زدگی قانون‌گذار در شناسایی و تصویب جرایم و مجازات‌های اشخاص حقوقی در ماده ۲۰ از قانون مجازات اسلامی کاملاً مشخص می‌باشد. ماده ۲۰ این قانون در هفت بند ضمن مشخص نمودن مجازات اشخاص حقوقی در واقع به جمع‌بندی مجازات این اشخاص پرداخته است. اولین بند از مجازات این اشخاص که با انحلال اشخاص حقوقی آغاز و در نهایت با انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها خاتمه می‌یابد، باتوجه در این ماده مشخص می‌شود که مجازات حداکثر و حداقل اشخاص حقوقی در این ماده جمع شده که فاصله بین انحلال اشخاص حقوقی که از آن به مرگ اشخاص حقوقی تعبیر می‌شود، با انتشار حکم محکومیت در رسانه‌ها که حداقل جرم اشخاص حقوقی می‌باشد، زیاد بوده و این موضوع به دلیل پیش‌بینی جرایم و مجازات اشخاص حقوقی تنها در چهار ماده از قانون مجازات اسلامی

مالی سرمایه شرکت شرکت سهامی عام به حداقل مذکور در ماده ۵ قانون تجارت کاهش یابد و شرکت نتواند از طریق افزایش مبلغ اسمی سهام سرمایه شرکت را افزایش دهد و از طرفی به موجب حکم محکومیت از دادگاه نتواند نسبت به افزایش سرمایه یا دعوت عمومی جهت پذیره‌نویسی اقدام نماید، هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال آن را از دادگاه صلاحیت‌دار درخواست کند، زیرا قطعاً هدف از این ضمانت اجرا انحلال شرکت نمی‌باشد. بنابراین بهتر بود که قانون‌گذار افزایش سرمایه تا حداقل مقرر در قانون را استثنا می‌کرد تا زمینه انحلال شرکت به شرح فوق فراهم نگردد.

۳-۳- نقد مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی (شرکت‌های تجاری)

قانون مجازات اسلامی در خصوص جرایم و مجازات‌های اشخاص حقوقی چندین نوع مجازات پیش‌بینی که در ماده ۲۰ از همین قانون آورده شده است، لیکن اعمال این جرایم با ابهاماتی مواجه می‌باشد که لازم است در این خصوص توضیحات لازم داده شود. ابهامات و دغدغه‌های زمینه آثار و ابعاد مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی فراتر از آن است که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تنها با اختصاص چهار ماده یرای پاسخگویی به آن‌ها را داشته باشد، ضمن این که قانون مجازات اسلامی بی‌هیچ، قیدی مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی را نسبت به مطلق جرایم ممکن دانسته است. مهم‌ترین ایرادات وارده به مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی (شرکت‌های تجاری) عبارت است از:

۳-۱- عدم جامعیت مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی

در خصوص اشخاص حقوقی معیارهای متفاوتی برای قابلیت انتساب جرم به مجرم مطرح می‌شود، عده‌ای معتقدند انتساب عناصر مادی و روانی جرم به شخص حقوقی عاریه‌ای است، یعنی شخص حقوقی، عناصر دوگانه مذکور را از اعضا و کارکنان خود قرض می‌گیرد، به این ترتیب که اگر خدمه در اثنای انجام وظیفه یا به آن جرمی را انجام دهند، شخص حقوقی را از حیث کیفری مسؤول خواهند ساخت (حسین‌خانی و مظاهری تهرانی، ۱۳۸۹: ۱۱۰-۱۱۱). ایرادی که به این نظریه گرفته‌اند، گسترش نامعقول مسؤولیت کیفری شخص

می‌باشد، این رویه باعث نادیده‌گرفتن طیف گسترده‌ای از مجازات اشخاص حقوقی می‌باشد.

۳-۳- عدم توجه به قواعد عام حقوق جزا

با دقت در ضمانت‌های اجرایی بزه اشخاص حقوقی با توجه به مؤلفه‌هایی چون اهمیت آن‌ها، تأمین اهداف مجازات‌ها، نوظهور بودن موضوع مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی قانون مجازات اسلامی باید با دقتی بیشتر از سوی قانون‌گذار مورد توجه قرار می‌گرفت تا از چالش‌های پیش رو جلوگیری می‌شد، لذا هرچند توجه قانون در تنوع بخشی به ضمانت اجراها که بر پایه اهتمام به سرشت گوناگونی و پیچیدگی‌های خاص اشخاص حقوقی صورت پذیرفته است، منطقی و قابل دفاع به نظر می‌رسد، اما شایسته بود که از دیگر تدابیر مهمی چون مراقبت قضایی، تعلیق مجازات خدمت، اجتماعی الزام به اصلاح سیستم جرم‌زا خاصه به عنوان شرط تعلیق نیز استفاده می‌شد تا از این رهگذر بستر مناسب‌تری برای تحقق هدف اصلاحی ضمانت اجراها دفاع اجتماعی و حمایت از بزه دیدگان فراهم شود، معلوم نیست چرا قانون‌گذار از ضمانت اجرای تعطیلی موقت استفاده نکرده است، حال آنکه به مجازات شدیدتر از آن انحلال اشاره کرده است؟ پیش‌بینی تعطیلی موقت کوتاه‌مدت و بلندمدت و اعمال آن در جایی که نیازی به انحلال نیست، ضروری به نظر می‌رسد. همان‌گونه که در قانون مجازات اسلامی و در باب مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال جرایم رایانه‌ای نیز پیش‌بینی شده است، به علاوه، شایسته بود که جزای نقدی با میزان درآمد و گردش مالی شخص حقوقی مقید می‌گردید.

۳-۴- تسری مسؤلیت کیفری اشخاص حقیقی به اشخاص حقوقی

مطابق ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی در مسؤلیت کیفری اصل بر مسؤلیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسؤلیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود، مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسؤلیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

بر این اساس ملاحظه می‌شود اساس پذیرش مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی از سوی این ماده نماینده شخص حقوقی می‌باشد، وفق این، نظر اشخاص حقوقی به خاطر اعمال هریک از نمایندگان خود مشروط بر این که جرم آن‌ها در حیطه وظیفه استخدامی و به قصد نفع‌رساندن به اشخاص مزبور صورت پذیرد، مسؤول خواهند بود و در واقع تکیه بر این واقعیت است که اعمال و اغراض مجرمانه اشخاص حقوقی از طریق نمایندگان تجلی و نمود می‌یابد، در نتیجه نه فقط جرایم با مسؤلیت مطلق، بلکه جرایم نیازمند عنصر روانی نیز که از ناحیه نمایندگان اشخاص حقوقی ارتکاب می‌یابد، به آن منتسب می‌شوند.

قانون‌گذار در این ماده نشان داده که قائل به تنزل قصد و رفتار مجرمانه شخص حقوقی به قصد و رفتار نماینده قانونی خود است. این راهکار تا زمانی که شناسایی فرد مقصر با مشکل روبه‌رو نشود، کارآمد است، اما در مواقعی که گستردگی شخص حقوقی و پیچیدگی ساختار آن، شناسایی مقصر حقیقی را دشوار و گاه غیرممکن می‌سازد، اثربخش نبوده و منجر به عدم مجازات شخص حقوقی و ملاً تضعیف دفاع اجتماعی می‌شود، قانون مجازات اسلامی، ضمن پذیرش صریح مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی با به‌کاربردن عبارت «مرتکب جرمی» شود، آنان را قادر به ارتکاب همه بردهایی دانسته که اشخاص حقیقی می‌توانند مرتکب شوند. در واقع قانون‌گذار با این اقدام از اصل عام بودن مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی پیروی کرده است. این اطلاق جرایم عمدی، غیرعمدی شرعی و تعزیری را پوشش می‌دهد، این در حالی است که انتساب جرایم شرعی به اشخاص حقوقی چه به واسطه طبع فردمدارانه آن‌ها مثل زنا و شرب خمر و چه به دلیل مجازات آن‌ها مثل قصاص برای قتل عمد به اشخاص حقوقی میسر نیست، مگر در مورد جنایاتی که مستلزم پرداخت دیه است، البته باید افزود نحوه تنظیم این قسمت از ماده که اشعار می‌داد: «نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود...» درخصوص مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال جرایم غیرعمدی بی‌ابهام نیست، چه اگر ارتکاب جرم به قصد منفعت شخص حقوقی به معنای انحصار مسؤلیت او در قبال جرایم عمدی

نمود یافته است، می‌توان بر بقای مسئولیت کیفری آنان معتقد بود و اگر نه ادغام بهانه مناسبی خواهد بود تا این اشخاص بتوانند از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند، همان‌طور که ملاحظه می‌شود قانون مجازات اسلامی با بضاعت اندک خود قادر نیست، برای صور و حالات موصوف راهکاری مناسب و راجع به سؤالات مذکور پاسخ روشنی ارائه کند.

نتیجه‌گیری

پیش از تصویب قانون مجازات ۱۳۹۲ قوانین کیفری ایران مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را جز در موارد نادر به رسمیت نشناخته بودند. در واقع این امر را به‌عنوان یک اصل مورد پذیرش قرار نداده و از قبول مسئولیت برای اشخاص حقوقی سرباز می‌زدند که کمترین نتیجه آن سوءاستفاده‌های کلان از وجود اشخاص حقوقی در جهت لطمه به اموال و دارایی‌های سایر اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی بود، لیکن با تصویب قانون مجازات جدید در سال ۱۳۹۲ این نقیصه تا حد قابل ملاحظه‌ای مرتفع گردید و نظام حقوقی ایران مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به‌طور کامل پذیرفت و مواد ۲۰ الی ۲۲ و ۱۴۳ و تبصره ذیل ماده ۱۴ آن به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اختصاص یافت. سؤالات ابهامات و دغدغه‌های موجود در زمینه آثار و ابعاد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی فراتر از آن است که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تنها با اختصاص چهار ماده یارای پاسخگویی به آن را داشته باشد. اهمیت موضوع ایجاب می‌نماید که با تخصیص موادی بیشتر یا حتی تدوین قانونی مستقل به زوایای ماهوی و شکلی این مسئولیت به‌نحو عمیق‌تری پرداخته شود.

مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی که برای معاون و شریک در جرم تعیین شده است، به‌ندرت بر اشخاص حقوقی قابل اعمال است، زیرا اکثر مجازات‌های مقرر برای معاون و شریک، فرضاً حبس و شلاق بر اشخاص حقوقی قابل اعمال نیست به نظر قانون در زمینه مجازات مجازات اشخاص حقوقی که در ارتکاب جرم معاونت و مشارکت می‌نماید نقص داشته و نیاز به اصلاح آن می‌باشد. ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی صرفاً به تعیین انواع مجازات‌ها پرداخته است، اما مشخص نکرده است که فرضاً اگر شخص

باشد، مسئولیت کیفری جرایمی واسطه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی نماینده شخص حقوقی رخ دهد، متوجه خود اوست، ولو این که در پی تفصیر وی منافی هم عاید شخص حقوقی شده باشد، اما نظر به این که بسیاری از جرایم اشخاص حقوقی در حوزه حمل و نقل، بهداشت، صنعت محیط زیست و محیط کار متعاقب عدم رعایت نظامات بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی آنان رخ می‌دهد، بعید است که مقصود قانون‌گذار از درج عبارت مزبور مستثنی کردن مسئولیت اشخاص حقوقی در قبال جرایم غیرعمدی باشد. بنابراین جهت جلوگیری از بروز هرگونه شبهه در این زمینه شفاف کردن متن ماده و عبارت مورد اشاره چندان که روشن‌کننده مقصود مقنن باشد، ضروری به‌نظر می‌رسد.

۳-۵- مشکلات مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی با ادغام چند شخص حقوقی در یکدیگر

مسئولیت یا عدم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حال تشکیل و اشخاص حقوقی در حال تصفیه مورد دیگری است که در مجازات اشخاص حقوقی باید مورد توجه قانون‌گذار قرار گیرد. عدم توجه به این موضوع باعث مجازات اشخاص حقوقی می‌شود که اساساً مرتکب جرمی نشده‌اند. در ادغام اشخاص حقوقی و مجازات این اشخاص حالت‌های مختلفی قابل پیش‌بینی است، در مورد حالت اول به‌نظر می‌رسد با توجه به این که این اشخاص در وضعیت موصوف هنوز موجودیتی به‌دست نیآورده‌اند، نتوان قابل به مسئولیت کیفری بر آن‌ها بود، اما در مورد حالت دوم، باید گفت از آنجا که شخصیت حقوقی این اشخاص در طول دوره تصفیه محفوظ است (ماده ۲۰۸ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت) می‌توان بر مسئولیت کیفری آنان معتقد بود. وضعیت بگرنج‌تر در حالت ادغام اشخاص حقوقی جلوه می‌نماید. چنانچه دو شخص حقوقی در یکدیگر ادغام شوند، آیا شخص حقوقی جدید در برابر جرایم ارتكابی هریک از دو شخص حقوقی قبل از ادغام مسئولیت کیفری دارد؟ پاسخ به این سؤال مزبور چندان آسان نیست، چراکه در این حالت شاهد پدید آمدن شخص حقوقی واحد و جدید هستیم که از خود رفتار مجرمانه‌ای بروز نداده است. با این همه به‌نظر می‌رسد با توجه به این که شخصیت پیشین اشخاص حقوقی مجرم در قالب شخص حقوقی جدید

- پاسبان، محمدرضا (۱۳۹۲). حقوق شرکت‌های تجارتنی. چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت.

- حسین‌خانی، بهمن و مظاهری تهرانی، مسعود (۱۳۸۹). اصل شخصی بودن مسؤولیت کیفری. چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.

- روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۷). «دگرگونی‌های مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی فرانسه». فصلنامه حقوقی/اسلام، ۴(۱۶): ۱۲۹-۱۵۶.

- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۱). حقوق جزای عمومی. جلد دوم، چاپ ششم، تهران: انتشارات مجد.

- شریفی، محسن (۱۳۹۸). «مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و آلمان». مجله حقوق تطبیقی، ۲(۱۱۱): ۱۶۳-۱۸۴.

- شریفی، محسن؛ حبیب‌زاده، محمد جعفر؛ عیسایی تفرشی، محمد و فرجی‌ها، محمد (۱۳۹۲). «دگرگونی‌های مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران». مجله حقوقی دادگستری، ۲۷(۸۴): ۱۱۷-۱۵۹.

- شریفی، محسن، حبیب‌زاده، محمد جعفر، عیسایی تفرشی، محمد و فرجی‌ها، محمد (۱۳۹۲). «انتساب مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و انگلستان». نشریه آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۰(۶): ۵۷-۸۸.

- شمس‌ناتری، محمدابراهیم؛ کلانتری، حمید رضا؛ زارع، ابراهیم و ریاضت، زینب (۱۳۹۲). قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی. جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

- عالی‌پور، حسن (۱۳۹۳). جزوه درسی مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی ایران. مقطع کارشناسی ارشد (حقوق شرکت‌های تجاری)، چاپ اول، شهرکرد: انتشارات دانشگاه شهرکرد.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹). حقوق مدنی (عقود اذنی و وثیقه‌های دین). چاپ ششم، جلد چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

حقوقی مرتکب جرم کلاه‌برداری شد کدام‌یک از مجازات‌های مقرر در ماده ۲۰ قابل اعمال است (یعنی رعایت تناسب جرم و مجازات به‌صورت مطلق به تشخیص قاضی است نه قانون) و این مغایر اصل قانونی‌بودن جرایم و مجازات‌هاست، زیرا مطابق این اصل نه‌تنها عمل مجرمانه باید در قانون مشخص گردد، بلکه نوع و مقدار مجازات آن جرم نیز لزوماً باید در قانون مشخص و معین شده باشد. پیشنهاد می‌گردد که برای هر جرم قابل انتساب به شخص حقوقی مجازات مشخصی در قانون پیش‌بینی گردد. یکی از موارد اعمال مجازات انحلال و مصادره کل اموال بر اشخاص حقوقی انحراف از هدف مشروع اولیه و نخستین و انحصار فعالیت خود به ارتکاب جرم می‌باشد (ماده ۲۲ ق.ا.م). این مجازات شامل اشخاص حقوقی که در لوای هدف مشروع فعالیت اصلی خود را به ارتکاب جرم اختصاص می‌دهند، نمی‌شود. به نظر ارتکاب جرم به شیوه فوق برای جامعه خطرناک‌تر خواهد بود، زیرا هدف مشروع را پوششی برای ارتکاب جرم قرار می‌دهند. پیشنهاد می‌گردد مجازات‌های مقرر در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی برای مرتکبین به شیوه فوق نیز قابل اعمال باشد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: در این پژوهش، نفر دوم به‌عنوان نویسنده اصلی و نفرات بعدی به‌عنوان نویسنده همکار عمل کرده‌اند.

تشکر و قدردانی: لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

- باهری، محمد (۱۳۹۴). حقوق جزای عمومی. چاپ اول، تهران: نشر نگاه معاصر.

- مرادی، محمد؛ صادقی، آزاده و هادی تبار، اسماعیل (۱۴۰۰). «مطالعه تطبیقی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران و شورای اروپا». مجله پژوهشنامه حقوق تطبیقی. ۲(۷): ۱۵۵ - ۱۷۲.
- مرعشی، سیدمحمدحسن (۱۳۷۶). دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلامی. چاپ دوم، تهران: نشر بنیاد حقوقی میزان.
- موسوی مجاب، سید درید و رفیع زاده، علی (۱۳۹۴). «دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی». مجله پژوهش حقوق کیفری، ۴(۱۴): ۱۴۷ - ۱۶۹.
- میرسعیدی، سید منصور (۱۳۹۰). مسئولیت کیفری (قلمرو و ارکان). جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارت میزان.
- نوربها، رضا (۱۳۸۵). زمینه حقوق جزای عمومی. چاپ هفدهم، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.